

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ اپریل ۲۰۲۳

## درماندگی غرب در مواجهه با نظام ملاسالار!

چهارشنبه- ۳۰ حمل ۱۴۰۲ - کابل: در حالی که از روز گذشته بدین سو مقامات "ملل متحد" به نحوی به عزاداری قبل از مردن آغاز نموده، ضمن "دلخراش دانستن خروج یوناما" از افغانستان و قطع رابطه "ملل متحد" با "نظام ملاسالار" تهدیداتش را به استقامت نظام ملاسالار ادامه می دهد و آن نظام را از گرسنه ماندن مردم افغانستان می خواهد هراسان سازد، امروز خانم "امینه محمد" معاون سرمنشی ملل متحد، از تدویر یک کنفرانس جهت بررسی مقدمات شناسائی حاکمیت نظام ملاسالار در دو هفته دیگر در قطر یادآوری نمود. تذکری که عکس العمل های شدیدی را از جانب تمام انسانهای متعهد و آزاده، به خصوص زنان کشور باعث گردید. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم. اما:

۱- به مثابه درآمد بحث باید تذکار دهم که انتخاب "کلمه غرب" به جای "ملل متحد" آگاهانه و هدفمند صورت گرفته است، زیرا از یک سو "ملل متحد" از بدو پیدایش و تأسیس یک اسم بی مسمائی بیش نبوده در بازه زمانی ۷۸ سال که از عمرش می گذرد، در بیشترین وقت به خصوص از سه دهه بدین سو به مثابه دفتر و سرکرتیت وزارت خارجه امریکا عمل نموده و اکنون هم مجری نیات، اهداف و دستورهای امپریالیسم امریکا و شرکای جنایاتش در اقصا نقاط جهان می باشد و از وسوی دیگر کشور های شرقی تحت هدایت روسیه- چین و هند همراه با کشورهای همسایه افغانستان، در کنفرانس "سمرقند" عملاً چراغ سبز شناسائی "بالفعل" را به حاکمیت طالبان نشان داده صریحاً زیر عنوان "عدم مداخله در امور داخلی افغانستان" به نحوی راهش را از "ملل متحد" و کشورهای غربی جدا ساخته گامهای عملی مشخصی را در جهت شناسائی "دیفکتو" یا همان بالفعل طالبان و نظام آنها برداشت.

۲- این که مقامات و سخنگویان "ملل متحد" دم از قطع رابطه و خروج کامل از افغانستان می زنند و فردایش مسأله شناسائی آنها را به بحث می گذارند، هر چند در ظاهر بیانگر سیاست "نان قندی و شلاق" است و "ملل متحد" می خواهد وانمود سازد که گویا آنها از این طریق می خواهند نظام ملاسالار را به "صراط مستقیم" از نظر خودشان بیاورند، مگر واقعیت قضیه آن طور نیست. بلکه اتخاذ چنین سیاست های دوگانه ای در مواجهه با یک نیروی استخباراتی که در عمل نشان داده حین مذاکرات کمتر فریب می خورد- موافقتنامه دوحه سند این ادعاست- در ذات خودش چیزی نیست به جز ابراز درماندگی و ضعف از این که مقابل چنین نیروئی کدام سیاستی را باید اتخاذ نماید.

تا جائی که دیده می شود علت این درماندگی و بیچارگی غرب در مواجهه با طالب و نظام ملاسالار می تواند، نکات آتی باشد:

\*- خلاف سه دهه گذشته که امپریالیسم امریکا و شرکاء جنایات و قتل های عام شان را زیر نام "ملا متحد" انجام می دادند و بزرگترین نمونه های چنین سیاستی تجاوزات خونبار بر افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه و یمن بوده و است، اینک که کلیت ستراتیژی جهان یک قطبی با توپ و تفنگ روسیه و با پول و سیاست چین و بقیه شرکای آنها، آخرین روز های عمر خود را طی می نماید و جهان با شتاب به طرف جهان چند قطبی در حرکت است، واضح است که "ملا متحد" دیگر نمی تواند به مثابه دست دراز سیاست های امپریالیسم امریکا و بقیه شرکاء عمل نماید و ناگزیر است در محاسبات خود طرف های مقابل را نیز در نظر بگیرد و این همان مشکلی است که فعلاً در آن گیر کرده اند و خوب می دانند که اتخاذ یک سیاست بدون نظر داشت اهداف و منافع رقبای جنوب جهان، درماندگی آنها را بیشتر آشکار نموده دامن شان را تا در معرض دید قرار گرفتن شرمگاه شان بالا خواهد نمود؛

\*- نکته دیگری که به مانند دست شکسته و بال گردن کشور های غربی شده است، دروغ هائیسیت که در آستانه و حین سازش و تسلیم شدن شان به طالب به خورد مردم خود داده اند. همه به یا داریم که سخنگویان و زمامداران اکثر کشور های غربی حین مذاکرات دوحه و قبل از آن که با فرار رسوای شان حاکمیت را به طالب انتقال دهند همه یک صدا از تغییر مثبت طالب و این که طالب امروز دیگر طالب گذشته نیست و نه زن ستیز است و نه انسان ستیز و نه علم ستیز، گوش شهروندان خودشان را کر نموده بودند.

اینک که طالب به قدرت گماشته شده است و در عمل نشان می دهد که تمام تغییرات ادعائی در جهت بدتر شدن و ارتجاعی تر شدن و ضد زن شدن بیشتر طالب بوده است و مردم باید بر قبر "ملا عمر" فاتحه بخوانند تا از شر "ملا هبت الله" - بخوانید "عبیت الله" خلاص شوند، زمامداران غربی حیران مانده اند که چه کنند و با کدام ترفندی باز هم مردم خود را فریب دهند و آنها را آماده سازند تا خیانت رهبران شان را به انسان و انسانیت نادیده بگیرند. ناگفته نباید گذاشت که هر نوع شناسائی طالب با عملکرد فعلی اش از جانب هر کشور و نهادی که باشد، در عمل به معنای مجاز دانستن جنایات طالب و صحه گذاشتن بر سیاست های ضد انسانی و زن ستیزانه این سپاهیان جهل و ظلمت می باشد. هموطنان گرامی!

واقعیت قضیه این است که در اوضاع کنونی ضرب المثل "هیچ کس نخارد پشت من، جز سر انگشت من" مصداق کامل یافته و ما افغانها باید بدانیم که در تمام جهان هیچ کشور و هیچ زمامداری پیدا نمی شود که منافع خودشان را فدای منافع خلق افغانستان نمایند. تمام آنها بدون استثناء با تمام قواء می کوشند تا از منافع غارتگرانه و استعماری خودشان در جهان من جمله افغانستان دفاع نمایند و در هر حرکت خود حافظ منافع آنی و آتی کشور خودشان باشند. در نتیجه برماست تا با درک این واقعیت به جای آن که چشم امید به جانب شرق و یا غرب و یا این و یا آن جلسه و کنفرانس بدوزیم دست و آستین خویش را شجاعانه بر زده، به سمتی حرکت نمائیم که پیروزی ما را مقابل طالب و طالبیسم می تواند تضمین نماید. که آن سمت، چیزی به جز رفتن به طرف تأمین وحدت مردم به مثابه نخستین گام نمی تواند باشد. این را بدانیم و بپذیریم که ما را به جز نیروی لایزال خود ما، هیچ نیروی زمینی و یا آسمانی دیگری از بند بردگی و بندگی جهل و ظلمت طالبی و سیاست های ضد انسانی آنها نجات نخواهد داد.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**  
**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**  
**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**  
**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**